

شخصیت امام کاظم (ع) در آثار خاورشناسان

سیدقاسم رزاقی موسوی^۱

دیر زمانی است که خاورشناسان، مطالعات درباره اسلام را، با انگیزه‌های مختلفی انجام می‌دهند، اما پژوهش دانشگاهی و روشمند غربیان درباره شیعه، به کم‌تر از یک قرن می‌رسد. شیعه‌پژوهی غربیان، در دهه‌های اخیر رشد چشم‌گیری داشته، اما امامت‌پژوهی آن‌ها چندان رونقی نداشته و به چند مقاله دایره‌المعارفی و برخی کتاب‌ها درباره تاریخ تشیع منحصر است که به مناسبت از ائمه شیعه بحث نموده‌اند. بررسی و تبیین مقاله «امام کاظم (ع) در دایره المعارف اسلام لیدن» که اتان کلبِرگ تألیف کرده و هم‌چنین بخش مربوط به امام کاظم (ع) از کتاب مذهب شیعه دونالدسون و کتاب تشیع هاینس هالم، محور اصلی مقاله حاضر را شکل می‌دهد.

بررسی مطالب این سه شیعه‌پژوه غربی، تصویری نسبتاً جامع از دوران زندگی امام از تولد تا شهادت را نشان می‌دهد. مسأله جانشینی امام و پیدایش اختلاف میان شیعیان و شکل‌گیری فرقه‌های متعدد، مشکلات اجتماعی و سیاسی عصر امام، تقابل امام با خلفا و دستگیری‌های متعدد امام توسط آن‌ها، بررسی اقوال متعدد در منابع درباره شهادت امام و پیامدهای آن و بررسی علل پیدایش فرقه واقفیه بعد از شهادت امام، از نکات مثبت

ص: ۳۹۳

پژوهش‌های غربیان درباره امام است. نبود بررسی نحوه تعامل امام با فرقه‌ها، قیام‌های علویان در این دوره و مواضع امام، نبود بررسی جامع مواضع سیاسی- اجتماعی امام و نحوه تعامل با خلفا و دگرگونی‌های آن، چگونگی ارتباط شیعیان با امام و هدایت‌گری آنان و اوضاع علمی- فرهنگی دوره و نقش‌آفرینی امام در این عرصه، از نکاتی است که خاورشناسان درباره زندگی امام کاظم (ع) به آن توجه نکرده‌اند و در این مقاله بر این نقاط ضعف تأکید می‌گردد.

واژگان کلیدی: امام کاظم (ع)، خاورشناسان، دونالدسون، اتان کلبِرگ، هاینس هالم

امامت پژوهی غربیان در جهت شیعه‌پژوهی آن‌ها سابقه چندانی ندارد. قدیم‌ترین مطلب درباره امامان شیعه به شکل اختصاصی و مطالعه علمی آن را در مقالات دایره المعارف اسلام یا در کتاب مذهب شیعه دونالدسون می‌توان یافت. پژوهش‌های اولیه درباره شیعه و مقالات درباره ائمه (علیهم السلام) با هدف معرفی شیعه و معتقدات شیعی، بیش‌تر بر اساس منابع اهل سنت صورت گرفته که از اشکالات محتوایی خالی نیست. البته در دهه‌های اخیر، با توجه به تغییر رویکرد غربیان در پژوهش‌های شیعه‌پژوهانه و تأکید بر استفاده از منابع شیعی، این ضعف کم‌تر دیده می‌شود. دستاوردهای اخیر این مطالعات به دلیل جزئی بودن، پرداختن به موضوعات چالشی و بهره‌مندی از شیوه‌های جدید پژوهشی، نتایج مفید و چشم‌گیری درباره تاریخ زندگانی ائمه و نقش‌آفرینی آنان در بردارد.

امام کاظم (ع)، هفتمین امام شیعیان دوازده امامی است. دوران زندگی آن امام با مسائلی روبه‌رو بود که شیعیان را با وضعیت جدیدی مواجه ساخت. انشعاب جدید در شیعه و ایجاد فرقه جدید اسماعیلیه (معتقدان به امامت اسماعیل فرزند ص: ۳۹۴)

بزرگ‌تر امام صادق (ع) از مهم‌ترین مسائل اجتماعی به شمار می‌آید. خاورشناسان که موضوعات مختلف مربوط به اسلام را از نگاه برون دینی و به صورت روشمند مطالعه نمودند، شخصیت امام کاظم (ع) و مسائل مربوط به دوره آن حضرت را نیز در محورهای مختلف آن بررسی کردند. با توجه به جایگاه خاورشناسان در مراکز علمی و مرجعیت علمی آثار آن‌ها در این مراکز، بررسی این پژوهش‌ها باهدف آشنایی با دیدگاه آنان درباره امامان شیعه و دستیابی به دستاوردهای علمی این پژوهش‌ها و همچنین نقد آن از منظر اندیشه‌وران شیعی، لازم است. این نوشتار، به بررسی پژوهش‌های شیعه‌پژوهان غربی درباره امام کاظم (ع) و زندگی آن حضرت می‌پردازد.

با وجود گستردگی آثار خاورشناسان درباره شیعه در دهه‌های اخیر، به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران که رشد چشم‌گیری داشته است، آثار مربوط به امامان شیعه، چندان وفور ندارد. آثار خاورشناسان درباره امامان و مسائل مربوط به دوره زندگی آن‌ها، در مقالات دائرةالمعارف اسلام، برخی کتاب‌های مربوط به شیعه و تک‌نگاری‌های انجام شده، محدود است. درباره امام هفتم به مقاله «امام کاظم (ع)» از اتان کلبرگ در دائرةالمعارف اسلام لیدن چاپ دوم، کتاب مذهب شیعه از دونالدسون که در فصل‌های مختلف به تاریخ شیعه و زندگی امامان از جمله در فصل چهاردهم به امام کاظم (ع) می‌پردازد و مقاله حامد الگار با عنوان «امام موسی کاظم (ع) و احادیث صوفیه در فرهنگ اسلامی» می‌توان اشاره داشت. البته مقالات متعددی در موضوعات دیگر تدوین شده که به مناسبت از امام کاظم (ع) نیز ذکری به میان آمده؛ مانند مقاله «هارون الرشید»، «کاظمین»، «حسین بن علی صاحب‌فخ» و «هادی عباسی (۱۶۹-۱۷۰)» هم‌چنین برخی کتاب‌های دیگر که به مباحث کلی مربوط به تاریخ تشیع می‌پردازند، بحث کوتاهی درباره زندگانی امامان داشته؛ از جمله کتاب تشیع هاینس هالم، مقدمه‌ای بر اسلام شیعی موجان مومن، تشیع در مسیر تاریخ از حسین محمد جعفری.

ص: ۳۹۵

تدوین مدخل‌های امامان شیعه در دائرةالمعارف اسلام، یکی از عرصه‌های مطالعات شیعی در غرب است. پیشینه تدوین دائرةالمعارف‌های کوچک و بزرگ اسلامی در زبان انگلیسی، به اندکی بیش از صدسال می‌رسد. نخستین مجموعه دائرةالمعارفی از دانستنی‌های اسلامی در زبان انگلیسی فرهنگ اسلام است که تامس پاتریک هیوز، کشیش، شرق‌شناس و اسلام‌شناس انگلیسی آمریکایی تبار در هندوستان در سال ۱۸۸۵ میلادی (۱۳۰۳ قمری) فراهم آورد. به دنبال آن، گام‌های آغازین دائرةالمعارف اسلام ۲ از اواخر قرن نوزدهم میلادی برداشته شد. دانشگاه لیدن هلند که در قرون جدید همواره از مراکز برجسته مطالعات اسلامی و شرقی بوده، در سال ۱۸۹۵ با همکاری اتحادیه بین‌المللی آکادمی‌ها و نیز آکادمی سلطنتی هلند، برنامه‌هایی را برای تدوین هم‌زمان و توأمان سه نشر یکسان انگلیسی، فرانسوی و آلمانی، از یک دائرةالمعارف جدی و مفصل اسلام آغاز کرد. چاپ انگلیسی آن که حاصل بیش از دو قرن تحقیق در مطالعات اسلامی بوده، در فاصله سال‌های ۱۹۱۳-۱۹۳۸، در چهار جلد منتشر شد. چاپ دوم این مجموعه، همراه با اصلاحات زیادی

در سال ۱۹۵۰ زیر نظر یوزف شاخت، لوی پروونسال، کرامرز و گیب آغاز گردید و نخستین مجموعه آن در سال ۱۹۵۴ م منتشر شد. از جدیدترین فرهنگ‌ها و دائرةالمعارف‌های اسلامی در زبان انگلیسی، به این موارد می‌توان اشاره داشت؛ ۳

۱. دائرةالمعارف موجز اسلام ۴

ص: ۳۹۶

۲. فرهنگ کوتاه شده اسلام ۵

۳. فرهنگ عمومی اسلام ۶

۴. دائرةالمعارف جهان اسلام در دوران جدید آکسفورد. ۷

از میان مقالات دائرةالمعارف‌های یادشده تنها می‌توان مقاله «امام کاظم (ع)» در دایره المعارف اسلام را نام برد که مستقیم به زندگی آن حضرت می‌پردازد.

معرفی اولیه امام

۳. مرتضی اسعدی، «دائرةالمعارف‌های اسلامی در زبان انگلیسی»، مجله کیهان فرهنگی، خرداد و تیر ۱۳۷۵، ش ۱۲۷.

۴. یکی دیگر از دائرةالمعارف‌های اسلامی به زبان انگلیسی در یک جلد است که در سال ۱۹۸۹ در لندن انتشار یافته است. این اثر که نباید با «دائرةالمعارف ملخص اسلام» (چاپ لیدن) اشتباه شود، حاصل اهتمام یک مسلمان سنی غربی به نام «سیریل گلاسه» است که با حمایت عربستان سعودی البته به صورت غیرتخصصی فقط برای عموم غیرمسلمانان برای آشنایی با واقعیت‌های اسلام نوشته شد که خالی از اشتباه نیست.

۵. فرهنگ کوتاه شده اسلام (Reference desk Islamics) توسط فن دانزل (Van donzel) از ویراستاران چاپ دوم دائرةالمعارف اسلام «لیدن» در یک جلد از طریق تلخیص مدخل‌ها و مقالات و مطالب دائرةالمعارف اسلام چاپ دوم «لیدن» و نیز دائرةالمعارف چاپ اول لیدن با هدف تأمین نیازهای فوری و سریع دانشجویان و پژوهندگان مبتدی خارجی فراهم آورده شد و در سال ۱۹۹۴ م / ۱۳۷۳ ش انتشارات «بریل لیدن» آن را چاپ و منتشر کرد. نشر «آرایه»، افسست این اثر را در ایران ارائه کرد.

۶. فرهنگ عمومی اسلام (A Popular Dictionary of Islam) نوشته ایان ریچارد تنون، در سال ۱۹۹۲ م / ۱۳۷۱ ش در لندن توسط مؤسسه انتشاراتی «کرزون» چاپ و منتشر شده و در آن اطلاعات اندکی درباره دستیاب‌ترین مفاهیم و اعلام و موضوعات اسلامی، هم‌چون نام سور قرآنی، برجسته‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام و اعلام قرآن، مهم‌ترین حوادث تاریخ اسلام و نظایر آن، هر کدام در چند سطر و به گسترده‌ترین شکل ارائه شده که برای عموم مراجع‌کنندگان مفهوم و قابل استفاده است.

۷. دائرةالمعارف «جهان اسلام در دوران جدید آکسفورد»

The oxford Encyclopedia of the Modern Islamic World

به ویراستاری جان اسپوزیتو که اثر بسیار مهم‌تری در چهار جلد قطع رحلی دو ستونی است و دانشگاه آکسفورد در سال ۱۹۹۵ م / ۱۳۷۴ ش آن را چاپ و منتشر کرده است. با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ م که نقطه عطفی در مطالعه اسلام و کشورهای اسلامی بود، ضعف و کم اطلاعی غربیان را نسبت به درک اسلام در جوامع اسلامی به رخ آنان کشید. لذا نیاز به چنین مرجعی و فقدان آن بیش از پیش احساس گردید. هدف اصلی پدیدآورندگان این دائرةالمعارف، تبیین جایگاه و اهمیت اسلام در سیاست، فرهنگ و اقتصاد کشورهای اسلامی بود.

مقاله «امام کاظم (ع)» در دائرة المعارف اسلام (۲EL) را که به معرفی و بررسی ابعاد زندگانی حضرت پرداخته، اتان کلبرگ نوشته است. وی در سال ۱۹۴۳ م متولد

ص: ۳۹۷

شد. تحصیلات خود را در یکی از دانشگاه‌های رژیم صهیونیستی و دانشگاه آکسفورد گذراند. عنوان پایان‌نامه دکتری او در دانشگاه آکسفورد، نگرش تشیع امامی به صجابه پیامبر (ص) ۸ بود. منابع و نظریات و تاریخ شیعه و به ویژه تشیع امامی، زمینه اصلی تحقیقاتی کلبرگ است. وی استاد زبان و ادبیات عرب مؤسسه مطالعات آسیایی-افریقای دانشکده انسان‌شناسی دانشگاه عبری اورشلیم (بیت‌المقدس) است. کتابخانه ابن طاووس و احوال آثار او، مشهورترین پژوهش شیعی او به شمار می‌آید که به فارسی نیز ترجمه شده است. وی هم‌چنین «عقیده و فقه در تشیع امامی» و مدخل‌های مربوط به «امام سجاد (ع) و امام باقر (ع)»، «مسلم بن عقیل»، «رجعت»، «سفیر»، «شهید»، «شهید ثانی»، «سلیمان بن سرد خزاعی» و «امین الاسلام طبرسی» در دائرة المعارف اسلام را نگاشته است. نویسنده پس از ذکر القاب امام چون ابوالحسن اول (یا ماضی)، ابوابراهیم، ابوعلی و عبدصالح، تاریخ دقیق ولادت امام را هفتم صفر سال ۱۲۸ قمری (۸ نوامبر ۷۴۵ م) می‌داند. البته دیگر تاریخ‌های ذکر شده درباره ولادت ایشان (ذی‌الحجه ۱۲۷ و ۱۲۹ ق) را نیز آورد. وی سپس به مادر امام اشاره می‌کند که نام ایشان حمیده (یا حمیده) بنت صاعد بربریه (یا اندلسیه) امولد بود که از یک برده‌فروش بربر خریداری شد و غالباً از او با لقب «مُصَفّه» یعنی پاک شده یاد می‌کنند.

دونالدسون ۹ در کتاب مذهب شیعه خود کمی مفصل‌تر به معرفی اولیه امام

ص: ۳۹۸

پرداخته است. وی با تطبیق تاریخی، ولادت امام را در میان نزاع امویان و عباسیان دانسته و اشاره می‌کند که امام در هنگام حکومت ابوالعباس سفاح (نخستین خلیفه عباسی)، تنها چهار سال داشتند. دونالدسون در ادامه با تطبیق دوره‌های حکمرانان عباسی با حیات امام، بیان می‌دارد که امام به مدت بیست سال تحت تربیت پدر قرار داشتند که ده سال قبل از پایان حکومت طولانی منصور شهید شدند. البته وی احتمال شهادت امام به وسیله سم را نیز مطرح می‌کند. سپس خلفای دوره زندگانی امام را به این شرح بیان می‌دارد: ده سال پایانی خلافت منصور، ده سال حکومت مهدی، یک سال و چند

۸

The Attitude of the Imami-shies to the Companions of the prophet .

.thesis. ۲۷۹۱.

۹. نخستین کوشش جدی و نسبتاً کامل در معرفی شیعه، توسط دونالدسون با انتشار کتاب مذهب شیعه در سال ۱۹۳۳ م صورت گرفت. «دوایت. م. دونالدسون»، اهل انگلستان است و مدت شانزده سال در ایران و مشهد سکونت داشت. مهم‌ترین آثار شیعه‌پژوهانه‌اش عبارتند از: مذهب تشیع یا تاریخ اسلام در ایران و عراق (لندن ۱۹۳۳)، اندیشه امامت نزد شیعه و سلمان فارسی، «محراب در حرم مشهد». کتاب مذهب شیعه او به شهادت دکتر نصر، هنوز در مطالعات شیعه امامیه مسند و مرجع است. دونالدسون علت تحقیق خویش در مورد شیعه را سخن ادوارد براون (تاریخ ادبیات ایران در عصر جدید، ص ۴۱۸) می‌داند که از نبود یا کمبود منابع و مأخذ غربی در مورد شیعه گله‌مند بود. لذا دونالدسون دست به کار شد و کوشید تا زمینه آشنایی افراد بی‌اطلاع از شیعه را فراهم کند.

ماه حکومت هادی و حدود دوازده سال از حکومت هارون الرشید. ۱۰ وی نیز به کنیز بربری و ام ولد بودن مادر امام اشاره داشته و او را در این زمینه با خیزران همسر بانفوذ مهدی عباسی همانند می‌داند. ۱۱

اعقاب امام کاظم (ع)

کلیبرگ فرزندان امام را بر اساس منابع، بین ۳۳ و شصت نفر متغیر می‌داند. برخی از روایات، هیجده (یا نوزده) پسر و ۲۳ دختر بر شمرده‌اند.

وی به روایتی اشاره می‌کند که امام کاظم (بنا به دلایلی که توضیح داده نشده)، ازدواج دخترانش را ممنوع ساختند. به جز ام سلمه که در مصر با قاسم بن محمد بن جعفر بن محمد ازدواج کرد، اما بقیه ازدواج نکردند. ۱۲ وی به نقل از کتاب جوهره الهی آورده است که اعقاب امام کاظم (ع) که با نام «موسوی»

ص: ۳۹۹

معروفند، امروزه ۷۰٪ سادات ایران را تشکیل می‌دهند. ۱۳

خاورشناسان و جایگاه اخلاقی امام

از مسائل مهم درباره زندگی امام کاظم (ع) مقامات اخلاقی و عرفانی ایشان است. این مسأله از نگاه خاورشناسان به ویژه کلیبرگ دور نمانده است. وی درباره مقام عرفانی امام آورده که امام کاظم (ع) به سبب زهد و تقوا معروف بودند. سپس با اشاره به ملاقات شقیق بن ابراهیم بلخی (م ۱۹۴ ق / ۸۰۹ م) با امام در سال ۱۴۹ قمری (۷۶۶ م) در قادسیه، جمله او در وصف امام را آورده که امام مردی مقدس (ولی الله / من الابدال) است. ۱۴ نویسنده هم‌چنین به زهد، کرامات و خوارق عادات منسوب به امام از جمله سخن گفتن در گهواره، آشنا بودن به زبان پرندگان و حیوانات و تمام زبان‌های

۱۰. دونالدسون، مذهب شیعه، ترجمه دکتر عباس احمدوند؛ نسخه قبل از انتشار، فصل چهاردهم، امام کاظم (ع)، ص ۱۹۰.

۱۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷۶؛

«وَأُمُّهُ أُمُّ وَلَدٍ يُقَالُ لَهَا حَمِيدَةٌ».

۱۲. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۱۵؛ «أوصی موسی بن جعفر ألا تتزوج بناته فلم تتزوج واحدة منهن إلا أم سلمة، فإنها تزوجت بمصر، تزوجها القاسم ابن محمد بن جعفر بن محمد».

انسان‌ها را ذکر می‌کند. ۱۵ در ادامه با استناد به مقاله حامد الگار، به ارتباط امام با صوفیان معروف دوره خود مانند «معروف کرخی» (م ۲۰۰ ق / ۸۱۵ م) و بشر حافی (م ۲۲۷ ق / ۸۴۱ م) می‌پردازد. ۱۶

دونالدسون درباره شخصیت امام آورده است که طبعی آرام و حلیم داشتند و به کاظم و ابوصالح ملقب گردیده بودند. در تصویر تمایل حضرت به امور دینی و عبادی، روایتی نقل می‌کند که بر اساس آن یک روز هنگام غروب، امام وارد مسجدالنبی شدند و به سجده‌ای رفتند که از سر شب تا صبح فردا طول کشید. همچنین درباره وصف ابن‌خلکان درباره سخاوت و بخشندگی حضرت، آورده که

ص: ۴۰۰

وفتی از مردی رنج‌دیده برایش سخن گفت، امام کیسه‌ای محتوی هزار دینار به او دادند. حضرت معمولاً دویست، سیصد و یا چهارصد دینار را در کیسه‌هایی می‌نهادند و در مدینه تقسیم می‌نمودند. ممکن است همین بخشندگی، موجب سوءظن مهدی عباسی به ایشان شده باشد. ۱۷

دونالدسون همچنین به مسأله کرامات و فضایل منسوب به امام پرداخته و اولین کرامت از ۲۳ کرامت منسوب به امام را جریان ادعای امامت از سوی عبدالله می‌داند که امام دستور دادند هیزم جمع کرده، آتش زدند و خود به میان آتش رفتند و اتفاقی نیفتاد، سپس از عبدالله خواستند که اگر حقیقتاً می‌پندارد امام است، همین کار را انجام دهد که رنگ چهره عبدالله تغییر می‌کند و از آن مجلس خارج می‌شود. ۱۸ وی به کرامت دیگر امام اشاره می‌کند که در آن امام صادق (ع) به یعقوب بن سراج فرمودند تا به مولایش امام کاظم (ع) سلام گوید؛ یعقوب چنین کرد و امام از او خواستند: «نامی را که دیروز برای دخترت برگزیدی تغییر بده، زیرا خدا را خشمگین می‌سازد.» و امام صادق (ع) نیز از یعقوب می‌خواهند «بدانچه موسی فرمود عمل کن که به صلاح توست». ۱۹ در ادامه به کراماتی از امام در شفای مردم اشاره می‌کند که یک‌بار امام زنی را دیدند که چند کودک دور او حلقه زده، می‌گریه. علت را پرسیدند. پاسخ داد: «گاوی که معاش ما از

۱۵ . برای مطالعه پیش‌تر نک: مفید، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۲۸۹، باب طرف من الأخبار عن مناقب أبي جعفر.

: H. Algar, Imam Musa al- Kazim and Sufi Tradition, in Islamic Culture, I ۷۴۶, P ۲E. Kohlberg, Musa al- Kazim, EL .

۱۷ . دونالدسون، مذهب شیعه، ص ۱۹۴.

۱۸ . همان، ص ۱۹۲ به نقل از: خلاصه الاخبار، فصل ۳۵؛ شهرستانی، ملل و نحل، تحریر هاشمی، ص ۲، ۱۷ و ۲۲۱.

۱۹ . مذهب شیعه، ص ۱۹۲.

او بوده مرده است.» امام دو رکعت نماز به جای آوردند و آن گاه انگشت مبارکشان را بر گاو نهادند، پس گاو زنده شد و برخاست، زن فریاد زد: «بنگرید این عیسی بن مریم است.» ۲۰

ص: ۴۰۱

خاورشناسان و مقام علمی امام

مقام علمی امامان شیعه، از نگاه خاورشناسان دور نمانده و می توان به اهمیت این موضوع در آثارشان اشاره داشت. کلبرگ در این مقاله، به دو مورد از توانمندی علمی امام می پردازد:

۱. مجادله امام در جوانی با ابوحنیفه که با سکوت ابوحنیفه [و موفقیت امام] پایان یافت.

۲. گفتگوی امام با مسیحیانی که برای مباحثه درباره مسائل دینی نزد امام آمدند و در نهایت به اسلام گرویدند. کلبرگ در بخش های پایانی مقاله، به ارتباط غلات با امام پرداخته، نقش امام در میان غلات (پرورش اندیشه های غلو را) پراهمیت بیان می کند. ۲۱ در این زمینه، به ملاقات «مفضل بن عمر جعفی» با امام در زندان بغداد و مراقبت از او پرداخته، ادعا می کند که امام کاظم (ع) او را پدر دوم خویش نامید. ۲۲ همچنین ادعای عارف کوفی، محمد بن بشیر، بنیان گذار بشیریه را مطرح می کند که به الوهیت امام معتقد بود و ادعا می کرد امام کاظم (ع) نمرده، بلکه غایب شده و با عنوان مهدی باز خواهد گشت.

وی در پایان، به جایگاه علمی امام نزد اهل سنت پرداخته، اشاره می کند که نویسندگان اهل سنت عموماً امام را یکی از راویان موثق می دانند، اما معتقدند امام روایات اندکی نقل کرده است. وی اشاره می کند که اثری به نام مسند موسی کاظم (ع) نوشته ابوبکر محمد بن عبدالله شافعی بزّاز (م ۳۵۴ ق / ۹۶۵ م) موجود است.

ص: ۴۰۲

البته آثار علمی منتسب به امام در میان شیعیان زیاد است که کلبرگ به برخی از آنان مانند، مناجات، پاسخ به پرسش های شرعی، وصیه فی العقل خطاب به هشام بن حکم و غیره اشاره می کند. ۲۳ این خاورشناسان، در بررسی جایگاه علمی امام، به مناظرات امام و نقش آفرینی علمی آن حضرت نپرداخته اند که انتظار می رفت به نقش و جایگاه علمی امام بیش تر پرداخته می شد.

۲۰. همان، ص ۱۹۶، به نقل از: خلاصه الأخبار، فصل ۳۵.

۲۱. این بخش از مقاله کلبرگ که بدون تحلیل و بررسی صرفاً به ارتباط غلات با امام و به صورت مبهم به نقش این ارتباط در تقویت اندیشه غلو در این دوره می پردازد، قابل بررسی و نقد است. با توجه به پیشینه برخورد امامان پیشین با غلات و نپذیرفتن اندیشه های غالیانه نزد ائمه، نمی توان پذیرفت که ارتباط غالیان با امام، نقش مثبت و تقویت کننده در گسترش اندیشه غلو داشته باشد. پیشک اندیشه های غالیانه نزد امامان و شیعیان جایگاهی نداشت.

۲۲. EL, Musa al-Kazim, Kohlberg, ۲E, P ۷۴۶.

۲۳. نک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۰-۱۳؛ ابن شعبه، تحف العقول، ص ۲۹۷-۲۸۳.

به اذعان کلبرگ، از سال‌های نخستین زندگی امام کاظم (ع) اطلاع زیادی در دست نیست. وی به نقل از ویلفرد مادلونگ، با استناد به اثری از ناصر اطروش زیدی‌مذهب (م ۳۰۴ / ه ۹۱۷ م)، حضور امام در قیام محمدبن عبدالله علیه عباسیان در سال ۱۴۵ قمری (۷۶۲ م) را مطرح می‌سازد^{۲۴} و ادعا می‌کند که این مطلب در منابع اسلامی مانند مقاتل الطالبیین نیز آمده است. ۲۵ دونالدسون به حکایتی از مواجهه امام با هارون اشاره می‌کند که صلابت امام و استفاده از موقعیت‌ها را نشان می‌دهد. روایت کرده‌اند که یک‌بار هنگامی که رشید و امام کنار مزار پیامبر بودند، خلیفه از پاسخ مناسبی که امام بدو دادند رنجید. هارون به قصد نشان دادن خویشاوندی‌اش با پیامبر گفت: «سلام بر تو ای رسول خدا، ای عموزاده!» اما چون به مزار نگریست، امام فرمود: «سلام بر تو ای پدر.» هارون با این سخن دستپاچه شد و گفت: «به راستی ای ابوالحسن، چنین فخری از آن توست.»^{۲۶}

ص: ۴۰۳

جانشینی امام از نگاه خاورشناسان

مسأله اختلاف بر سر جانشینی امام صادق (ع) و انشعاب‌های ناشی از آن در جامعه شیعی، در پژوهش‌های محققان و هم‌چنین خاورشناسان بررسی شده است. دونالدسون متأثر از منابع اسماعیلی، معتقد است که امام صادق (ع) اسماعیل فرزند ارشدشان را به جانشینی خود در امامت برگزیدند، ولی مرگ او قبل از پدر، تمام شیعیان را اندوهگین نمود و این مسأله‌ای بود که تضارب آراء بسیاری در ماهیت امامت را باعث گردید. وی در ادامه، به پیدایش دو فرقه اسماعیلیه و اعتقاد آنان پرداخته، بیان می‌دارد: گروهی از اسماعیلیه مرگ اسماعیل را منکر شدند و گمان بردند که اسماعیل غایب شده و بر خواهد گشت و خداوند او را تا زمان ظهورش نهان داشته است. گروه دیگر مرگ او را پذیرفته و پسرش [محمدبن اسماعیل] را امام می‌دانند. هردو گروه که به اندیشه توقف امامت ظاهری با مرگ اسماعیل یا پسرش معتقدند به سبیه [هفت امامی] مشهورند. ۲۷ وی اعتقاد امامیه در این زمینه را چنین معرفی کرده است که امام صادق (ع) درحالی‌که پسر ارشدشان اسماعیل را به جانشینی خویش برگزیده بودند، چون وی را دائم‌الخمر یافتند، فرزند چهارمشان موسی (ع) را به امامت پس از خود برگزیدند. ۲۸

۲۴

. ۰۶۱، ۵۶۹۱W. Madelung. Der Imam al- Qasim ibn Ibrahim, Berlin .

۲۵ . ابی الفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۷۷؛ با بررسی به عمل آمده توسط نگارنده در مقاتل الطالبیین مطلبی به وضوح در این باره یافت نشد، شاید برداشت مادلونگ از برخی مکالمات امام با محمدبن عبدالله باشد که با وجود مخالفت صریح امام صادق (ع) با این قیام، حضور امام کاظم (ع) بعید به نظر می‌رسد.

۲۶ . مذهب شیعه، ص ۱۹۶.

۲۷ . همان، ترجمه دکتر عباس احمدوند، (نسخه قبل از انتشار)، ص ۱۹۱.

۲۸ . منابع اولیه امامی به انتخاب امام کاظم (ع) از سنین کودکی به امامت حکایت دارند نه پس از اینکه امام به شارب‌الخمر بودن اسماعیل پی برده باشد و این مطلب سندی در منابع امامی ندارد. (رجال کشی، ص ۳۵۵؛ اصول کافی، ج ۱ ص ۲۴۶؛ ارشاد، ج ۲ ص ۲۱۹؛ اعلام الوری، ص ۲۹۹)؛

و به نقل از ابن خلدون، نزاع [منبعث از] این اقدام، شکاف عمیقی را در شیعه به وجود آورد و فرق و طوایف متنوعی پدید آمدند. ۲۹

کلب‌رگ نیز در این باره معتقد است، اسماعیل پسر [بزرگ‌تر] امام صادق (ع) که به جانشینی او تعیین شده بود، ۳۰ پیش از پدرش درگذشت و پسر دوم امام صادق (ع)، به نام عبدالله، مدت کوتاهی پس از پدرش وفات کرد و هیچ فرزند پسری از امام باقی نماند. با وجود این هردو پیروانی داشتند که اسماعیلیه نخستین و فطحیه را شکل دادند. ۳۱ وی هم‌چنین گروه دیگری به نام «سُمِیْطِیْه (یا سَمِیْطِیْه، سُمِیْطِیْه)» را نیز نام می‌برد که به امامت محمد فرزند دیگر امام صادق (ع) معتقد بودند. ۳۲

او در ادامه، به اعتقاد شیعیان اثناعشریه پرداخته، می‌نویسد: بنابر اعتقاد اثناعشریه، ۳۳ امام کاظم (ع) در سنین کودکی توسط پدرش به عنوان امام بعدی معرفی شده بود ۳۴ و برخی شیعیان چون هشام بن حکم از امامت ایشان، حمایت می‌کردند. ۳۵ اگرچه برخی دیگر از شیعیان تا مدتی از پذیرش این امر خودداری

«فمن ذلک ما رواه محمد بن یعقوب الکلینی عن عدّه من أصحابه .. عن أبی عبد الله (ع) قال قلت له أسأل الله الذی رزق أباک منک هذه المنزلة أن یرزقک عن عقبک قبل الممات مثلها فقال فعل الله ذلک قلت من جعلت فداک فأشار إلی العبد الصالح و هو راقد فقال هذا الراقد و هو یومئذ غلام»؛

و در روایتی دیگر در اعلام الوری آمده است: و

«بهذا الإسناد .. عن المفضل بن عمر قال کنا عند أبی عبد الله (ع) فدخل أبوإبراهیم و هو غلام فقال لی أبو عبد الله (ع) استوص به و ضع أمره عند من تتق به من أصحابک»؛

هم‌چنین در روایتی دیگر آمده:

«عن صفوان الجمال عن أبی عبد الله (ع) قال: قال له منصور بن حازم بأبی أنت و أمی إن الأنفس یغدی علیها و یراح فإذا کان ذلک فمن قال أبو عبد الله (ع) إذا کان ذلک فهو صاحبکم و ضرب علی منکب أبی الحسن الأئمن و کان یومئذ خماسیا و عبد الله بن جعفر جالس معنا.»

۲۹. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، متن عربی، بخش ۲، ص ۳۵۵.

۳۰. این دیدگاه به تأثیر از منابع اسماعیلی مطرح شده است والا در اعتقاد شیعه امامیه، امام صادق (ع) پس از مرگ اسماعیل از همه درباره رحلت او گواه گرفتند تا شبهه امامت او پیشاپیش دفع شده باشد و در جایگاه متعددی، امامت امام کاظم (ع) را پس از خود مطرح ساخته‌اند. نک: رجال کشی، ص ۳۵۵؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۶؛ ارشاد، ج ۲، ص ۲۱۹؛ اعلام الوری، ص ۲۹۹؛ الفصول المهمه، ج ۲، ص ۴-۹۳۳.

۳۱. EL, Musa al-Kazim, Kohlberg, ۲E. PP. ۵۴۶.

۳۲. EL, ۲ibid, PP. ۵۴۶.

۳۳. در این دوره شاید هنوز اصطلاح اثناعشریه بر شیعیان پیرو امام صادق (ع) اطلاق نمی‌شد و این عنوان به اعتبار آنکه این گروه در ادامه، به امامان معرفی شده توسط امامان پیشین معتقد بودند و در نهایت تا امام عصر ادامه یافته‌اند، اثنا عشریه معرفی شدند و بروز تاریخی آن را موجب شدند.

ورزیدند. ۳۶ اقدام منصور خلیفه عباسی، پس از دریافت خبر شهادت امام صادق (ع)، و اعزام جاسوسانی به مدینه برای کشف هویت جانشین حقیقی امام و کشتن وی، از نگاه کلبرگ مخفی نمانده و ضمن اشاره به این اقدام، تصریح می‌کند که با تدبیر و پیش‌بینی امام صادق (ع)، در معرفی پنج جانشین (از جمله خود منصور و موسی کاظم (ع)) این دسیسه خلیفه نقش بر آب شد. ۳۷

سیاست امام و عملکرد خلفای عباسی

به اعتقاد کلبرگ امام کاظم (ع) به سیاست سکوت وفادار ماندند و همانند پدر، به نشر عقاید و اصول شیعه در میان شاگردانشان پرداختند، اما از آزار و اذیت عباسیان در امان نماندند. بار نخست به دستور مهدی عباسی، بازداشت و به زندان بغداد برده شدند. پس از مدت کوتاهی، به دلیل رؤیایی که در آن علی بن ابی طالب (ع) بر مهدی ظاهر شدند و به سبب دستگیری امام کاظم (ع) بر او عتاب فرمود، آزاد شدند. ۳۸ نویسنده با بررسی تطبیقی - تاریخی منابع، بنابر روایتی که امام پس از انتقال به بغداد زیر نظر مسیب بن زهیر ضَبّی (م ۱۷۵ ق / ۷۹۱ م) قرار گرفتند، بیان می‌دارد که تاریخ دستگیری امام نمی‌توانسته بین سال‌های ۱۶۳ تا ۱۶۶ قمری، یعنی سال‌های ولایت مسیب بر خراسان باشد، اگرچه بنابر روایت

کم‌اعتبارتری، سال ۱۶۶ قمری سال انتصاب مسیب در مقام والی است. ۳۹ بر این اساس به نظر کلبرگ، دوره حبس امام کاظم (ع) کوتاه بود. ۴۰

۳۴. برای مطالعه بیشتر نک: رجال کشی، ص ۳۵۵؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۶؛ ارشاد، ج ۲، ص ۲۱۹؛ اعلام الوری، ص ۲۹۹؛ الفصول المهمه، ج ۲، ص ۹۳۳-۹۳۴.

۳۵. EL, Musa al-Kazim, Kohlberg, ۲E, PP. ۵۴۶.

۳۶. اشاره نویسنده به اقدام زراره در اعزام فرزندش به مدینه برای پیگیری اخبار مربوط به شهادت امام صادق (ع) و جانشینی وی است که البته به معنای نپذیرفتن یا تردید در پذیرش امام کاظم (ع) نبود. شاید بیش‌تر با هدف درک بهتر اوضاع و اطمینان از انتخاب امام واقعی بوده باشد.

۳۷. اصول الکافی، ج ۱، ص ۳۱۰؛

« هَذَا كِتَابُ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ يَخْبُرُنَا أَنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ قَدْ مَاتَ فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ثَلَاثًا وَ أَيْنَ مِثْلُ جَعْفَرٍ ثُمَّ قَالَ لِي أَكْتُبُ قَالَ فَكَتَبْتُ صَدْرَ الْكِتَابِ ثُمَّ قَالَ أَكْتُبُ إِنْ كَانَ أَوْصَى إِلَى رَجُلٍ وَاحِدٍ بَعَيْنِهِ فَقَدَّمَهُ وَ اضْرَبَ عُنُقَهُ قَالَ فَرَجَعَ إِلَيْهِ الْجَوَابُ أَنَّهُ قَدْ أَوْصَى إِلَى خَمْسَةٍ وَاحِدُهُمْ أَبُو جَعْفَرٍ الْمَنْصُورُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ سُلَيْمَانَ وَ عَبْدُ اللَّهِ وَ مُوسَى وَ حَمِيدٌ ».

۳۸. EL, Musa al-Kazim, Kohlberg, ۲E, PP. ۵۴۶.

۳۹. نک: خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۳۷.

۴۰. EL, Musa al-Kazim, Kohlberg, ۲E, PP. ۵۴۶.

نویسنده دستگیری دیگر امام را پس از سرکوبی قیام حسین بن علی صاحب‌فخ، می‌داند. با این‌که امام، از قیام حمایت نکردند، از جانب هادی عباسی، به برانگیختن قیام متهم شدند و خلیفه نقشه قتل ایشان را در سر داشت که قاضی ابویوسف یعقوب بن ابراهیم او را از این تصمیم منصرف کرد و کمی بعد هادی درگذشت. وی با استناد به مهج الدعوات ابن طاووس، اشاره می‌کند که دعای معروف «جوشن» به شکرانه این رهایی، از امام هادی (ع)، به‌جامانده است. ۴۱ وی به درستی اشاره می‌کند که تا زمان به قدرت رسیدن هارون، امام در مدینه ماندند و هارون (۱۷۰-۱۹۳ ق / ۷۸۶-۸۰۹ م) به مدت نه سال از خلافتش، امام کاظم (ع) را زندانی کرد. ۴۲ دونالدسون نیز به بی‌مهری‌های هارون نسبت به امام اشاره داشته، بیان می‌دارد که در دوران خلافت هارون، امام کاظم (ع) پیوسته در معرض سوءظن و بی‌مهری بودند.

کلیبرگ نقل قول‌های متفاوتی درباره علت بی‌مهری و دستگیری امام ذکر می‌کند از جمله:

۱. بنابر یک روایت، هارون پس از آشنایی با دیدگاه‌های هشام بن حکم (شاگرد برجسته امام صادق (ع) و صحابی امام کاظم (ع)) چون این دیدگاه‌ها را خطرناک دید، فرمان دستگیری امام را صادر کرد.

۲. طبق روایتی دیگر، امام قربانی توطئه دربار عباسیان به ویژه یحیی بن خالد برمکی شدند. بر اساس این روایات، هنگامی که هارون، پسر خویش

ص: ۴۰۷

محمد (خلیفه امین آینده) را تحت مراقبت جعفر بن محمد اشعث قرار داد (بین سال‌های ۱۷۰ و ۱۷۱ ق / ۷۸۷ و ۷۸۸ م ریاست دیوان خاتم را بر عهده داشت و بعداً تا سال ۱۷۳ ق / ۷۹۰ م والی خراسان بود)، وزیر هارون یعنی یحیی بن خالد برمکی بیم آن داشت که پسر هارون (امین) خلیفه شود و جعفر بن محمد ترقی کند و بدین سان موقعیت ممتاز برآمده به خطر خواهد افتاد. بنابراین یحیی تصمیم گرفت با افشای روابط جعفر با علویان، او را بی‌اعتبار سازد و برای این منظور از کمک برادرزاده و رازدار امام کاظم (ع) یعنی محمد (یا علی) بن اسماعیل بن جعفر بهره برد که اطلاعاتی را درباره شبکه مالی علویان به یحیی دهد. او نیز درباره شیعه بودن جعفر، ارتباط او با امام و حتی ارسال هدایایی از سراسر جهان برای امام، به هارون گزارش داد. ۴۳

۳. در روایات دیگر، به خلیفه خبر رسید که مردم به امامت امام کاظم (ع) معتقدند و او قصد دارد علیه هارون شورش کند. البته کلیبرگ به منابع این روایات اشاره نکرده، فقط بر اساس اطلاعات خود این احتمالات را مطرح ساخته است.

وی در ادامه، اشاره می‌کند که هارون از فرصت زیارت مکه و مدینه برای انجام دادن عمره (در ماه رجب سال ۱۷۹ ق / سپتامبر اکتبر ۷۹۵ م یا رمضان سال ۱۷۹ ق / نوامبر دسامبر ۷۹۵ م) یا برای انجام دادن حج تمتع (سال ۱۷۹ ق / ۷۹۶ م) استفاده نمود و دستور دستگیری امام را صادر کرد. به گفته برخی منابع، امام را مستقیماً به بغداد فرستاد. بنا بر برخی دیگر از روایات موثق‌تر، ابتدا امام را به بصره بردند و یک سال زیر نظر والی شهر عیسی بن جعفر بن منصور قرار داشتند.

۴۱. P. ۶۴۶, ibid.

۴۲. P. ۶۴۶, ibid.

۴۳. P. ۶۴۶, ibid.

وی از اجرای دستور هارون مبنی بر قتل امام سربچید و امام را به بغداد فرستاد. امام در آنجا تحویل فضل بن ربیع شدند که در سال ۱۷۹ قمری به سمت حاجب، منصوب شده بود و با امام رفتاری محترمانه داشت. نقل است که در این

ص: ۴۰۸

مدت هارون نیز به دلیل خوابی که دیده بود، مدتی امام را آزاد ساخت اما بار دیگر ایشان را دستگیر کرد و به فضل بن ربیع سپرد.

هالم از دیگر خاورشناسان شیعه پژوه، درباره وضعیت سیاسی دوره امام و سیاست‌های خلفا، معتقد است، گسترش روزافزون شیعیان در عراق که عمدتاً پیرامون خاندان حسینی گرد می‌آمدند، موجب اضطراب عباسیان شد. لذا آنان با اقدامی احتیاطی، تمام مدعیان بالقوه حکومت را به دربار آوردند و تحت مراقبت حبس‌مانند خود قرار دادند. به اعتقاد هالم، نخستین کسی که با این سرنوشت روبه‌رو شد [امام] موسی بن جعفر (علیهما السلام) بود. ۴۴ وی نیز اشاره می‌کند که هارون در سال ۱۷۷ قمری (۷۹۳ م) پس از زیارت حج، امام را همراه خود به عراق برد و در بصره و سپس در بغداد زیر نظر گرفت. ۴۵

امام در مدت حضورش در بغداد، می‌توانستند با برخی پیروان ارتباط داشته باشند. از جمله این افراد علی بن یقطین (م ۱۸۲ ق / ۷۹۸ م) بود که در دوران خلافت سه خلیفه مهدی، هادی و هارون، منصب‌های مهم داشت و امام از او خواستند با پذیرش مسئولیت و همکاری با دستگاه خلافت، از نفوذ خود برای کمک به شیعیان و حل مشکل آنان استفاده نماید. ۴۶ کلبرگ معتقد است، علی بن یقطین هم‌چون یک مأمور مالی برای [امام] کاظم (ع) عمل می‌کرد و هدایای با ارزشی برای امام می‌فرستاد. ۴۷

شهادت امام و پیامدهای آن

اقوال متفاوتی درباره چگونگی شهادت امام نیز، مطرح است. هالم بدون اشاره

ص: ۴۰۹

۴۴. هاینس هالم، تشیع، ص ۶۹.

۴۵. همان.

۴۶. همان.

۴۷

به چگونگی شهادت، احتمال مسمومیت به دستور هارون در سال ۱۸۳ قمری (۷۹۹ م) را مطرح می‌کند. ۴۸ اما کلبرگ با بررسی تفصیلی، دیدگاه‌های مختلف را بیان کرده، معتقد است که هارون پس از اطلاع از وضعیت مناسب و آرام امام، در نامه‌ای برای فضل دستور قتل امام را صادر نمود. بنابر برخی روایات، فضل با سرپیچی از انجام دادن این دستور، یکصد ضربه شلاق خورد و امام به رئیس نظمیه یعنی سندی بن شاهک (پدر بزرگ کشاجم شاعر) تحویل داده شد و او با دادن رطب مسموم، امام را به قتل رساند. روایتی دیگر، مسمومیت امام را به فضل نسبت می‌دهد. بر اساس گزارش سوم، حضرت را درون فرشی پیچیدند و آن قدر لگدکوب کردند تا به شهادت رسیدند. ۴۹ کلبرگ اشاره می‌کند که طبری، وفات امام را بدون توضیح ذکر کرده که تلویحاً حکایت از آن دارد که ایشان به علل طبیعی درگذشته‌اند. ۵۰ این دیدگاه غالب نویسندگان اهل سنت است که پژوهش‌گران جدید نیز به آن توجه کرده‌اند. ۵۱ کلبرگ تاریخ شهادت امام را ۲۵ یا ۲۶ رجب سال ۱۸۳ قمری (آگوست یا سپتامبر ۷۹۹ ق) می‌داند. وی احتمالات دیگر را نیز بر اساس منابع، ۱۸۱ قمری (۷۹۷ م)، رجب ۱۸۲ (۷۹۸ م)، رجب ۱۸۴ (جولای آگوست ۸۰۰ م)، ۱۸۶ (۸۰۴ م) و یا ۱۸۸ قمری (۸۰۴ م) آورده است. امام را در [مقابر قریش] در منطقه غرب بغداد به فاصله سه مایلی دفن نمودند که امروزه به عنوان یکی از چهار مکان مذهبی مقدس شیعیان در کنار نجف، کربلا و سامرا به شمار می‌آید. ۵۲

ص: ۴۱۰

مقبره امام بارها در دوره‌های مختلف عباسیان و به ویژه در دوره صفویان تجدید بنا شد. ۵۳

خاورشناسان و شبهه علم امام به شهادت

به عقیده کلبرگ، آنچه درباره چگونگی شهادت امام کاظم (ع) در منابع شیعی آمده، متکلمان امامی را با شبهه‌ای کلامی مواجه ساخته است. وی می‌نویسد: «اگر امام از همه چیز آگاه بوده و پیشاپیش زمان و چگونگی مرگش را می‌دانسته و

۴۸. هاینس هالم، تشیع، ص ۷۰.

۴۹. EL, Musa al-Kazim, Kohlberg, ۲E, PP ۵۴۶.

۵۰. طبری، تاریخ الرسل و الملوک؛ ج ۳، ص ۶۴۹.

۵۱. ف. عمر در مقاله «هارون الرشید» در:

۲ LE و

Clot, Haroun al-Rachid et le temps de Mille et Une Unite, Paris ۱۹۸۹، ۱۹ --

۵۲

. EL ۲, v ۱, pp ۴۵۸-۶۵۸. It is connected with the west side of Baghdad, about three miles away. At the present day Kazimayn is one of the four greatest sanctuaries of the Shi'a

۵۳. EL, DURI, ۲A, v ۱, pp ۴۹۸-۸۰۹.

با این حال هیچ کاری برای جلوگیری از مرگ خود نکرده، آیا می‌توان گفت که او معین بر قتل خود (معین علی نفسه) بوده است؟» ۵۴ بدین ترتیب، وی سعی دارد تا مسأله علم امام در کلام شیعی را به چالش کشانده، با نقل پاسخ‌های مجمل و اغلب غیر قانع‌کننده از جانب شیعیان، این مسأله را مبهم جلوه دهد.

وی در بررسی پاسخ متکلمان شیعه به این شبهه، سه پاسخ را در منابع گردآورده که عبارتند از:

۱. یکی از پاسخ‌ها که منسوب به امام رضا (ع) است این‌که؛ امام کاظم (ع) از وفات قریب الوقوع خویش آگاه بودند و پیش‌بینی‌های لازم را انجام دادند، اما در لحظه حساس، خداوند ایشان را در این مسأله دچار فراموشی کرد (القی علی قلبه النسیان). ۵۵

۲. طبق روایتی دیگر فضل‌بن‌یحیی برمکی، سه روز پیاپی برای امام کاظم میوه مسموم آورد، اما امام به آن دست نزدند. روز چهارم امام این‌چنین فرمودند: «الهی

ص: ۴۱۱

تو می‌دانی که اگر پیش از امروز خورده بودم، به هلاکت خویش کمک کرده بودم». سپس میوه را خوردند و بیمار شدند. طبیب آوردند. ابتدا امام توجهی نکردند، اما با اصرار طبیب، سرانجام کف دست خود را که بر اثر سمّ به سبزی گراییده بود، به وی نشان دادند. طبیب به عباسیان گفت که امام آگاه است که ایشان را مسموم کرده‌اند. ۵۶ معنای ضمنی این مطلب آن است که امام تاریخ دقیق شهادتشان را می‌دانستند و با وجود علم به آن، نوشیدن زهر را پذیرفتند. کلبرگ در ادامه، گردآوردن هشتاد نفر از بزرگان بغداد توسط سندی‌بن شاهک و گرفتن شهادت از آنان مبنی بر رفتار مناسب با امام را آورده که امام در پایان آن دیدار خبر می‌دهند که «به من هفت (یا نه) خرما می‌دهند؛ فردا (از شدت آثار سم) رنگ پریده و بیمار خواهم شد و پس فردا خواهم مرد». ۵۷

۳. در تفسیری دیگر، امام در انتخاب آزاد نبودند و زیر فشار، خرماهای مسموم را خوردند. کلبرگ با ذکر برخی اقوال شیعی، شهادت امام کاظم (ع) را نتیجه مستقیم رفتار اشتباه جامعه‌اش بر می‌شمارد. او به نقل از کلینی آورده است: «خدا از شیعیان عصبانی بود و به امام فرمود که بین قربانی شدن خود برای حفظ شیعیان و یا کشته شدن شیعیان یکی را برگزیند، امام نیز خواستند تا به قیمت زندگی خود، از شیعیان حمایت کنند ۵۸ علامه مجلسی نیز در مرأه العقول، از خشم

۵۴. P, abide ۷۴۶

۵۵. بصائر الدرجات، ص ۴۸۳، باب «فی الأئمة أنهم یعرفون متى يموتون»: «حيث ما بعث إليه يحيى بن خالد برطب و ريحان مسمومين علم به قال نعم قلت فأكله و هو يعلم فيكون معينا على نفسه فقال لا يعلم قبل ذلك ليتقدم فيما يحتاج إليه فإذا جاء الوقت ألقى الله على قلبه النسيان ليقضى فيه الحكم» بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۸۵.

۵۶. صدوق، عینون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۸۶-۸۸.

۵۷. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۵۹-۲۵۸؛ ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۷۹.

۵۸. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۶۰.

« عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ غَضِبَ عَلَى الشَّيْعَةِ فَخَيَّرَنِي نَفْسِي أَوْ هُمْ فَوَقَّيْتُهُمْ وَاللَّهِ بِنَفْسٍ»

خدا نسبت به شیعه به دلیل نافرمانی و وفا نداشتن نسبت به امام سخن می‌گوید و عامل آن را ترک تقیه توسط شیعیان می‌داند که موجب آشکار شدن هویت امام برای عموم و در نهایت دستگیری امام شد.» ۵۹ سندی (یا هارون) پس از شهادت

ص: ۴۱۲

امام، نمایندگان هاشمیان، طالبیان و دیگر سرشناسان بغداد را گردآورد و پوشش از چهره امام کنار زد و آنان را وادار ساخت که تصدیق کنند هیچ نشانه‌ای از قتل و جنایت در کار نیست. آن‌گاه پیکر امام را غسل داده، کفن کردند و در قبرستان اشراف عرب در شمال غربی بغداد (مقابل شونیزی یا مقابر قریش) در «باب‌التین» - که به نام کاظمیه معروف شد - دفن گردیدند. ۶۰ هالم نیز به محل دفن امام در قبرستان مربوط به اشراف عرب در شمال بغداد اشاره کرده که مزار آن حضرت و آرامگاه نوه‌اش را شیعیان زیارت می‌کنند و حرم کاظمین یکی از بزرگ‌ترین زیارتگاه‌های شیعیان در عراق است. ۶۱.

انشعاب شیعیان پس از شهادت امام

یکی دیگر از موضوعات مطرح در مقاله، انشعابی است که با شهادت امام در میان شیعه ایجاد گردید. کلبرگ در این زمینه آورده که وفات امام، به ایجاد شاخه خاصی از شیعه انجامید. گروهی از شیعیان، وفات حضرت را انکار کردند و معتقد شدند که ایشان غایب گشته و به عنوان مهدی بازخواهند گشت. این افراد از آن جهت که امامت را در این امام تمام شده تلقی کردند، «واقفه» نامیده شدند و بر سر انتقال امامت به فرزندشان به مجادله برخاستند. وی اشاره می‌کند که آنان هم‌چنین به صورتی توهین‌آمیز، به «ممطوره» (مخفف کلاب ممطوره، یعنی

ص: ۴۱۳

۵۹. مجلسی علامه، مرآة العقول، ج ۳، ص ۱۲۶.

۶۰. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷۶.

«فَحَبَسَهُ عِنْدَ السُّنْدِيِّ بْنِ شَاهَكَمَ فَتَوَفَّيَ (ع) فِي حَبْسِهِ وَدُفِنَ بِبَغْدَادَ فِي مَقْبَرَةِ قُرَيْشٍ»؛

مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۴۰

«نودی هذا موسى بن جعفر قد مات فانظروا إليه فجعل الناس يتفرون في وجهه و هو ميت و قد كان قوم زعموا في أيام موسى أنه القائم المنتظر و جعلوا حبسه هو الغيبة المذكورة للقائم فأمر يحيى بن خالد أن ينادي عليه عند موته هذا موسى بن جعفر الذي تزعم الرافضة أنه لا يموت فانظروا إليه فنظر الناس إليه ميتا ثم حمل فدفن في مقابر قریش في باب التين و كانت هذه المقبرة لبني هاشم و الأشراف من الناس قديم»؛

۶۱. Le Strange, Baghdad, pp. ۵-۶۱; A. Duri, Baghdad, EL ۵-۶۱, pp. ۱, v ۲; ۴۹۸-۸۰۹.

۶۱. هاینس هالم، تشیع، ص ۷۰.

سگ‌های خیس شده در باران) نیز معروف‌ند. کلبرگ در بررسی بیشتر مسأله واقفیه آورده که بسیاری از واقفیان کوفی بودند و در متون خاصی از نظریه غیبت امام هفتم دفاع کردند. جوان‌ترین آنان به نام «حسن بن محمد بن سماعی صیرفی» در سال ۲۶۳ قمری (۸۷۶ م) درگذشت.

هالم نیز در این زمینه معتقد است که شهادت امام هفتم، به ظهور شعبه جداگانه‌ای از تشیع انجامید که در تعالیم آن، تعدادی از ویژگی‌های اساسی تشیع دوازده‌امامی بعدی رو به تکامل نهاد. وی واقفیه را کسانی معرفی می‌کند که عقیده داشتند امام کاظم (ع) وفات نیافته، بلکه غایب شده و در انتظار مراجعتش به عنوان مهدی بودند. وی واقفیه را قدیم‌ترین نمونه شیعه «هفت‌امامی» می‌داند که در اواخر قرن سوم قمری (نهم میلادی) با اثناعشری درهم آمیختند که از الگوی واقفیه در غیبت آخرین امام اقتباس نمودند. ۶۲ کلبرگ این تحلیل را نپذیرفته و معتقد است آموزه اثناعشری درباره غیبت صغرا و کبرا و مهدویت، نمی‌تواند خاستگاه واقفی داشته باشد. ۶۳ به اعتقاد وی، این انشعاب احتمالاً به دلیل ملاحظات مالی و نه دینی روی داده؛ زیرا امام وکلایی در مناطق مختلف داشتند و پس از شهادت ایشان، برخی از آنان حاضر نشدند پول‌هایی را که در اختیار داشتند، به امام رضا (ع) تحویل دهند؛ از این‌رو امام کاظم (ع) را آخرین امام دانسته‌اند. این افراد عبارت بودند از: منصور بن یونس، علی بن حمزه بطائنی (که ۳۰ / ۰۰۰ دینار در اختیار داشت)، زیاد بن مروان القندی (که ۷۰ / ۰۰۰ دینار داشت) و عثمان بن عیسی رواسی (که علاوه بر مبالغ زیادی پول، پنج یا شش‌کنیز داشت که با پول امام خریداری کرده بود). ۶۴

ص: ۴۱۴

پژوهش‌های خاورشناسان درباره امامان (ع) در مقایسه با حجم مطالعات شیعی آنان، اندک است و موضوعات اجتماعی، - سیاسی و فرقه‌های شیعی، حجم بیش‌تری از آثار آنان درباره شیعه را به خود اختصاص داده است. امامت‌پژوهی خاورشناسان را باید در مدخل‌های ائمه در دائرةالمعارف اسلام یا موضوعات مرتبط با امامان در دائرةالمعارف (عاشورا، مهدویت، نجف، کربلا، بغداد، مشهد و ..) و برخی کتاب‌ها درباره تاریخ تشیع مانند مذهب شیعه دونالدسون، تشیع هاینس هالم، تشیع در مسیر تاریخ از حسین محمد جعفری منحصر دانست که به مناسبت از زندگی هر امامی بحث کرده‌اند. این پژوهش‌ها با بررسی زندگی امام کاظم (ع) از ولادت تا شهادت و پیامدهای آن، درصدد ارائه تصویر کاملی از زندگی امام بودند.

گستره مطالعات و مراجعه به منابع اصلی (به ویژه در مقاله کلبرگ)، از ویژگی مثبت این پژوهش‌ها به ویژه پژوهش‌های متأخر است. نتیجه این مراجعات و گسترده‌گی آن، توجه به برخی مسائل مهم این دوره است. مسائلی مانند بحث درباره اصل امامت امام کاظم (ع) که پس از شهادت امام صادق (ع) با چالش‌های برخی شیعیان مواجه بود و به پیدایش فرقه‌های اسماعیلیه، سمیطیه، فطحیه و ناووسیه انجامید، برخی فضایل اخلاقی و کرامات امام، قیام حسین بن علی صاحب‌فخ، دستگیری‌های متعدد امام و بررسی دلایل این موضوع، علی بن یقطین و مجوز همکاری او با دستگاه خلافت

۶۲. همان.

۶۳. بحث مهدویت در قرن اول درباره محمد بن حنفیه مطرح شده بود، بنابراین نمی‌توان پذیرفت که شیعیان اثناعشری، عقیده مهدویت را از واقفیان گرفته باشند.

۶۴. برای مطالعه بیش‌تر نک: رجال کشی، ص ۴۹۹-۵۰۰؛ ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۹۲.

از سوی امام، بررسی اقوال متعدد در منابع درباره شهادت امام و پیامدهای آن و بررسی علل پیدایش فرقه واقفیه بعد از شهادت امام.

ص: ۴۱۵

با وجود این، خاورشناسان در بررسی شخصیت امام کاظم (ع) و وقایع دوره امامت ایشان که طولانی‌ترین دوره امامان شیعه به شمار می‌آید، چندان موفق نبودند. در این دوره امام و شیعیان، با جریان‌های متعددی مواجه بودند که خاورشناسان آن‌گونه که باید به آن توجه نکرده‌اند. از جمله این جریان‌ها، پیامدهای انشعاب جدید در میان شیعیان و پیدایش فرقه اسماعیلیه و نحوه تعامل امام با این گروه، بررسی قیام‌های علویان در این دوره و مواضع امام، بررسی جامع مواضع سیاسی - اجتماعی امام و نحوه تعامل با خلفا و دگرگونی‌های آن، چگونگی ارتباط شیعیان با امام و هدایت‌گری آنان، اوضاع علمی - فرهنگی دوره و نقش‌آفرینی امام در این عرصه و غیره از جمله مسائل مهم عصر آن حضرت به شمار می‌آید که یا اصلاً خاورشناسان به آن توجه نداشته یا نتوانسته‌اند همه ابعاد آن مسائل را به تصویر کشد. درباره حیات علمی - فکری امام، با تعبیر بلندی توسط امامان پیشین یا علمای مختلف مانند «عالم‌العلماء» از سوی امام صادق (ع) ۶۵ و «فقیه‌ترین اهل زمانش» ۶۶ و غیره مواجهیم. چنین فردی به یقین باید در جامع بودن و در ارتباط با شیعیانش، نکات و هدایت‌گری‌هایی داشته باشد که در این نوشته‌ها مشاهده نشد. هم‌چنین شیوه رهبری امام، اجازه به برخی اصحاب خاص در همکاری با حکومت با هدف حمایت از نیازمندان شیعی مانند علی بن یقطین ۶۷ و در مقابل نهی برخی دیگر از اصحاب که همکاری آن‌ها سودی برای شیعیان نداشت، از شیوه‌های راهبردی امام در هدایت شیعیان است که خاورشناسان به آن توجه نداشته‌اند.

ص: ۴۱۶

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۵ ق.
۲. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمه فی معرفه الائمه، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳. ابو الفرج علی بن الحسین الأصفهانی (م ۳۵۶)، مقاتل الطالبیین، تحقیق سیداحمد صقر، بیروت: دار المعرفه، بی‌تا.
۴. اسعدی، مرتضی، دائره‌المعارف‌های اسلامی در زبان انگلیسی، کیهان فرهنگی، خرداد و تیر ۱۳۷۵ شماره ۱۲۷.

۶۵. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۸ ص ۲۴

۶۶. مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد؛ ج ۲ ص ۲۲۵

۶۷. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۸ ص ۱۳۶

۵. حرانی، حسین ابن شعبه، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
 ۶. خصیبی، حسین بن حمدان (م ۳۳۴)، الهدایه الکبری، بیروت: موسسه البلاغ، ۱۴۱۱ ق.
 ۷. خویی، سیدابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواه، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ ق.
 ۸. محمد بن علی بن حسین بن بابویه، عیون اخبار الرضا (ع)، تهران: انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ش.
 ۹. محمد بن حسن بن علی (طوسی)، اختیار معرفه الرجال (رجال کشی)، بی جا، بی نا، بی تا.
 ۱۰. دونالدسون، مذهب شیعه، ترجمه دکتر عباس احمدوند، نسخه قبل از انتشار، بی جا، بی نا، بی تا.
 ۱۱. صفار قمی، ابوجعفر محمد بن الحسن (م ۲۹۰)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
 ۱۲. محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (رحمة الله)، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- ص: ۴۱۷
۱۳. طبرسی، امین الاسلام ابو علی فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
 ۱۴. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، قاهره: الاستقامه، ۱۳۵۸ ق.
 ۱۵. -، دلائل الامامه، قم: دارالذخائر للمطبوعات، افسست از روی چاپ نجف، ۱۳۸۳ ق.
 ۱۶. عبدالحمید ابن ابی الحدید معتزلی (ابن خلدون)، مقدمه ابن خلدون، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
 ۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.
 ۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
 ۱۹. نجاشی، رجال النجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
 ۲۰. هالم، هاینس، تشیع، ترجمه محمد تقی اکبری، قم: ادیان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
 ۲۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ ششم ۶۸.۱۳۷۱

۲۲. (The Encyclopedia of Islam) (EL ۲).

: H. Algar, Imam Musa al- Kazim and Sufi ٧٤٤, P ٢E. Kohlberg, Musa al- Kazim, EL ٣٢
.] ٠٩٩١Tradition, in Islamic Culture, xiv]

W. Madelung, A treatise of the Sharif al Mortada on the Legality of working for ٤٢
.] ٠٨٩١government, in BSOAS, xlii]

ص: ٤١٨